

به نام خدا

ناآگاهی و ضعف فرهنگی مهم ترین علل بروز خشونت در خانواده های ایرانی
(به بهانه روز جهانی منع خشونت علیه زنان)

محمد مهدی فتوره چی

چرا ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان نام گرفته است؟

در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ سه خواهر اهل جمهوری دومینیکن با نام خواهران "میرابل" پس از ماه‌ها شکنجه، سرانجام توسط سازمان امنیت ارتش این کشور به قتل رسیدند. جرم این سه خواهر، شرکت در فعالیتهای سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن بود. ۲۱ سال بعد یعنی سال ۱۹۸۱ در همایشی که در بوگوئا پایتخت کشور کلمبیا که با شرکت مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب تشکیل گردید، پیشنهاد شد روز قتل خواهران میرابل به عنوان روز "منع خشونت علیه زنان" نامگذاری شود (خواهران میرابل در فعالیتهای و مبارزات مخفیانه علیه رژیم او مشارکت داشتند. این سه خواهر از چهار خواهر (پاتریا، مینروا و ماریا ترزا) در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ به جرم شرکت در فعالیتهای سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن (تروخیو) به قتل رسیده بودند).

سازمان ملل متحد نیز در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ این روز را به رسمیت شناخت و در تاریخ مناسبت‌های این سازمان گنجانده تا از این طریق همه ساله دولت‌ها و مردم جهان به این موضوع مهم توجه کنند (ایمنا، ۱۳۹۹). از روز بیست و پنجم نوامبر تا روز دهم دسامبر برابر با بیستم آذر (روز جهانی حقوق بشر) فعالیتهای بسیاری در زمینه‌ی اطلاع رسانی و ایجاد حساسیت نسبت به پدیده خشونت علیه زنان انجام می شود تا شاید جوامع انسانی هر چه بیشتر بر این آسیب متمرکز گردد، با این امید که در سال‌های آینده شاهد میزان کمتری از خشونت علیه زنان باشند.

مقدمه و اهمیت موضوع

در عصر حاضر اهمیت این موضوع با افزایش مشکلات و مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی دوچندان شده است و امروزه کمتر خانواده و جامعه ای در شهر و روستا وجود دارد که نوعی از خشونت را در مقطعی از زمان تجربه نکرده باشد. علاوه بر خشونت‌های فیزیکی که هر روزه در سطح شهرها شاهد هستیم، و انواع خشونت کلامی که دختران و زنان عفیف در شهرها تجربه می کنند، تکرار گناه و بیگناه قتل‌های دهشتناک ناموسی دخترانی چون نازنین، هوژان، زبیده، نازنین، سارا، هاجر، و رومینای نوجوان در گوشه و کنار این سرزمین بلاخیز که همواره بر تاریخ پر شکوه و غنای فرهنگی اش افتخار کرده زنگ خطر و تهدیدی است که در پی فقر فرهنگی و ناآگاهی مفعولان مستاصل در سایه گسترش ابزارهای هوشمند و فناوری‌های نوین ارتباطی و بویژه شبکه‌های اجتماعی، فقدان سواد رسانه‌ای و تربیتی و نبود یا ضعف قوانین حقوقی بیش از هر زمان دیگر کیان خانواده، بویژه کودکان و نوجوانان و بانوان را تهدید می کند و لذا نامگذاری چنین روزی بهانه‌ای است برای بازاندیشی در مفاهیم و چرایی گسترش انواع خشونت فیزیکی و کلامی در جامعه ای که در آن توصیه به رعایت اصول و مبانی اخلاقی و انسانی از جمله وظایفی است که تریبون داران و رسانه‌های دولتی بدان پای می فشارند. در این گفتار پیش از طرح مساله لازم است اجمالا تعریفی از خشونت ارائه دهیم.

مفهوم خشونت

خشونت را باید جزء آن دسته از اصطلاحاتی محسوب نمود که موارد استفاده متعددی یافته‌اند. در علوم مختلف، تعاریف متنوعی از خشونت ارائه شده است. نزدیکترین اصطلاح در روانشناسی به خشونت، واژه پرخاشگری است که مراد از آن رفتاری صدمه زننده و تخریب کننده است که از جانب فردی علیه فرد دیگر انجام می‌گیرد. در جرم‌شناسی خشونت را شامل اعمال و رفتاری دانسته‌اند که احساس ناامنی را در فرد و جامعه به وجود می‌آورد. همچنین گفته شده که خشونت علاوه بر جنایات پیش‌بینی شده در قانون، ممکن است اعمال دیگری را نیز که جنبه محرمانه نداشته باشد را در برگیرد (ایسنا، ۱۳۹۹). خشونت از جمله فراوان ترین اشکال نقض حقوق بشر در جهان برشمرده شده که بخشی از آن ناشی از ناآگاهی، شرم از بیان تجربه خشونت و مصمونیّت از مجازات است. به عبارت دیگر خشونت استفاده از زور فیزیکی یا کلامی به منظور قراردادن دیگران در وضعیتی خلاف خواسته عامل تعریف شده است. خشونت در لفظ و از نظر معنوی به معنای خشکی، تندى و سختی است و لذا هرگونه رفتاری که با هدف وارد نمودن آسیب به یک شخص و یا شینی صورت گیرد رفتار خشونت آمیز نام می‌گیرد که این رفتار می‌تواند آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد (ویکی فارسی، ۱۴۰۰).

با این مقدمه و تعریف ارائه شده تلاش داریم در این گفتار ضمن بیان آمارهایی و بر شمردن انواع خشونت آشکار و پنهان به این سنوال پاسخ دهیم کدامیک از عوامل دخیل در عصر حاضر موجب افزایش خشونت علیه دختران و زنان در کشور شده است؟

نگاهی گذارا به آمارها

در تمام جرایمی که در ۲۰۰۶ گزارش شده ۷۶٫۲ درصد از بازداشتی‌ها مردان بوده اند. در ۲۰۰۴ زنان تنها ۷٫۱ درصد از جمعیت زندان‌ها را تشکیل می‌دادند. مجرمان جرایمی همچون خشونت خانگی، مزاحمت جنسی، خشونت جنسی و تجاوز مردان بوده و زنان و دختران به‌طور عمده در این دسته‌ها قربانی بوده اند. تخمین زده شده‌است که ۲۵ درصد زنان در جهان قربانی نوعی از خشونت در برهه‌ای از زندگیشان بوده و یا در معرض خشونت واقع می‌شوند. زنان و دختران معمولاً در اغلب ملاحظات تنوریک و هم در مطالعات تجربی نادیده گرفته شده‌اند. از دهه ۱۹۷۰، و در تحقیقات مهم فمینیستی، تخلفات مجرمانه زنانه در زمینه‌های متفاوتی واقع شده و همچنین تجربیات زنان از سیستم عدالت قضایی تحت نفوذ پیش فرض‌های جنسیتی در مورد نقش‌های متناسب مردانه و زنانه بوده است (شایان ذکر است که فمینیست‌ها شیوع خشونت علیه زنان را هم در خانه و هم در جامعه بخوبی برجسته کرده‌اند).

براساس آمار، موارد ثبت‌شده همسرآزاری در سال ۹۵ در استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به‌ترتیب ۱۷۰۸۳ مورد، ۷۳۸۵ مورد و ۶۴۸۳ مورد بوده است. این آمار نشان می‌دهد این استان‌ها در سال ۹۴ هم بالاترین میزان خشونت زن‌آزاری از سوی همسران را دارا بوده‌اند (خبر آنلاین به نقل از شرق، ۱۳۹۶). جای تامل و تاسف است که استان‌های که به دیانت و مذهبی بودن شهره هستند در این آمار بعد از استان تهران قرار گرفته اند که گویای این واقعیت است که آموزه‌های دینی و مذهبی نتوانسته است در حدانتظار موجب تغییر بینش و رفتار شهروندان این استانها شود!

ببر اساس این گزارش بیشترین موارد خشونت و آزار زن از سوی مردان سر زده است و گزارش‌های ثبت‌شده آزار مرد از سوی زن انگشت‌شمار است. بیشترین آمار همسرآزاری مرد از سوی زن، باز هم مربوط به تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و مرکزی است. براساس آمار سازمان پزشکی‌قانونی تعداد معاینات نزاع‌های مربوط به همسرآزاری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ رشد قابل‌توجهی داشته به نحوی که از ۵۲ هزار مورد به بیش از ۷۷ هزار مورد افزایش یافته است... مقایسه استان‌ها از نظر تعداد معاینات نزاع مربوط به همسرآزاری به‌ازای هر صد هزار نفر جمعیت در سال ۹۵ نشان می‌دهد که استان بوشهر با ۲۲ مورد گزارش، و استان البرز با ۱۴۹ مورد گزارش در بین صد هزار نفر، کمترین و بیشترین میزان گزارش نزاع همسرآزاری را داشته‌اند. در این میان استان‌های یزد، زنجان، تهران و اصفهان در رتبه‌های بعدی بیشترین آمار همسرآزاری در مقیاس صد هزار نفر جمعیت هستند (همان). مروری بر این آمارها نشان

می دهد که علاوه بر شهرهای مذهبی در شهرهای صنعتی و بیشتر توسعه یافته و بویژه کلان شهرهای چون تهران، اصفهان و یزد انواع خشونت علیه زنان بیشتر اعمال شده است.

انواع خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان به اشکال مختلف رخ می دهد و یکی از رایج ترین آنها خشونت های خانگی است. سازمان بهداشت جهانی در یکی از مطالعات خود درباره خشونت علیه زنان نتیجه گرفته است که در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بد رفتاری قرار می گیرد. خشونت همواره آثار بیرونی و نمودهایی جسمی و فیزیکی ندارد بلکه آسیب های فیزیکی بخشی از خشونت علیه زنان است، بخش دیگر آن، انواع و اقسام رفتارها، خشونت ها و تبعیض هایی است که شاید دیدنی نباشند اما بعضاً آثار و پیامدهایی به مراتب بدتر و تلخ تر از قتل دارند. چرا که در قتل، فرد می میرد و رنج پایان می یابد، اما در مواردی چون تجاوز (و آسیب هایی از این دست) فرد ناچار است تا یک عمر با سایه شوم واقعه ای روبرو شود. خشونت جنسی، خشونت جنسی غیرتماسی (کلامی و رفتاری)، تجاوز، تن فروشی اجباری، بارداری اجباری، ختنه دختران، خرید و فروش زنان و دختران، خشونت علیه زنان کارمند و مستخدمان زن، خشونت های ناشی از جنگ، خشونت در زندان، تجاوزهای سیستماتیک، خشونت نگاهی و رفتاری و خشونت سیاسی، مصادیقی از خشونت آشکار است، و مواردی چون دروغ گفتن، نفقه ندادن، به خواسته های زن بی توجه بودن، جدا کردن زن از کودکان یا خانواده اش، تهمت زدن، تحدید زن در محدوده جغرافیایی یا عدم مجوز به وی برای شغل یا تحصیل و ... مصادیقی از خشونت پنهان و فاقد نمودهای بیرونی هستند (ایمن، ۱۳۹۹). شواهد و قرآن و نتایج بسیاری از مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که در همه انواع خشونت، علاوه بر شرم و خوشتنداری از ترس بی آبرویی و تحریک عواطف بستگان برای مقابله، ضعف فرهنگی و فقر دانش و آگاهی از حقوق فردی و عدم اطلاع کافی از مرز و حریم خصوصی در تجربیات خشونت ورزی علیه دختران و زنان هم وطنانمان بسیار موثر بوده است.

ناآگاهی و ضعف فرهنگی جامعه از عوامل اصلی

همانطور که در بلال اشاره شده نتایج برخی پژوهش ها نشان می دهند که از میان عوامل مختلفی چون ناآگاهی، شرم از بیان واقعیت و مصونیت از مجازات، فقدان آگاهی ناشی از ضعف فرهنگی جامعه از عوامل اصلی زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان در جامعه ایرانی به شمار می رود. رفتارهایی مانند سوء ظن، شتاب در قضاوت، عصبانیت و تند مزاجی، مصرف مواد مخدر و الکل در مردان، وجود باورهای غلط مانند برتری جنس مرد، تحمیل تمام کارهای خانه به زن، فقدان مهارت های ارتباطی در زوجین و ناتوانی در رفع اختلافات از طریق تعامل فکری و حل مشکلات زندگی مشترک، ناآگاهی از حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر از جمله عوامل مؤثر زمینه ساز خشونت علیه زنان است. همچنین نمایش تصاویر خشونت آمیز در رسانه ها می تواند به یادگیری و ترویج خشونت خانگی علیه زنان در جامعه منجر شود و بر سلامت خانواده ها تاثیر گذارد؛ ضمن آن که مطالعاتی نشان داده که وجود سابقه روابط خشونت آمیز در خانواده و وجود روابط توأم با پرخاشگری و عصبانیت در جامعه موجب آسیب پذیری بیشتر خانواده ها شده است (ایسنا، ۱۳۹۹، نقل به مضمون).

چاره چیست؟

با عنایت به این یافته و تایید کارشناسان امر لازم است از یک سو، والدین که نخستین الگوهای مرجع فرزندان شان به شمار می آیند در برقراری ارتباط با یکدیگر صبوری پیشه کرده و مسائل و مشکلات شان را در جوی آرام و صمیمی از طریق گفتگو حل و فصل نمایند و از سوی دیگر، مربیان و معلمان پرورشی هم آموزه های تربیتی، و مهارت های آن را از کودکی در نهادهای آموزشی و پرورشی نهادینه کنند.

علاوه بر رفع زمینه های اجتماعی و اقتصادی بروز خشونت در خانواده هر یک از هم وطنان و بویژه والدین و مربیان متعهد و مسنول به موازات انتقال آموزه های (اغلب در گذشته) تابو انگاشته شده به فرزندان و نوجوانانمان، از طریق سازمان های مردم نهاد و دستگاه های فرهنگی عریض و طویل کشور نیز از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسانه ملی، مرکز رسانه های دیجیتال و و بهره گیری از رسانه های پر مخاطبی چون تلویزیون و شبکه های اجتماعی نسبت به ساخت و تولید برنامه های روشنگرانه با هدف آگاهی بخشی و دانش افزایی کودکان و نوجوانان و حتی والدین و مربیان امرهتام لازم نموده و همچنین ضمن سناریوهای فیلم و سریال های تلویزیونی به طور غیر مستقیم به نحوه بازگویی خشونت و چگونگی استیفای حقوق خشونت دیدگان بپردازند. بی شک در زمانه ای که این مهم در اولویت نهادهای متولی دولتی و رسانه های همگانی نیست سازمان های اجتماعی و فرهنگی مردم نهاد هم می توانند و می باید از ظرفیت شهروندان آگاه و مسنول بویژه توان فکری کارشناسان خبره دانشگاهی بهره لازم را برده و در ارائه آموزش های آگاهی بخش با همکاری نهادهای علمی و فرهنگی شهر همچون دانشگاه ها و فرهنگسراها از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

منابع:

۷۳۲۴۲۸ <https://www.khabaronline.ir/news/>

۱۳۸۷۷ <https://women.gov.ir/fa/news/>

<https://fa.wikipedia.org/wiki>